



## پرونده ماه مقصد ۴

آنان که در حوزه مانده‌اند!	۳۶
بررسی امتیازات تحصیل علوم دینی در قم	۳۶
حرکت از قم؛ موثر و مفید	۳۹
رسالتی بالاتر از هجرت	۴۰
روحانیت و حوزه قم در چند کتاب	۴۴
هجرت، تحرک اندیشه	۴۶
همسایگی به فاصله یک دیوار	۴۷
سکونت در خانه‌های مردم	۴۸



پرونده ۱: سکونت در قم

## قم؛ از سکونت تا هجرت

پرونده سکونت طلاب در قم، خوانشی صبورانه از ایاب و ذهاب مسافرانی است که با این شهر انس می‌گیرند و هیبت پرازدحام، اما خاموش آن را تجربه می‌کنند. به قصد تحصیل علوم دینی به زیارت این شهر می‌آیند و در جوار بانویی صالحه به حوزه علمیه قم رونقی می‌بخشند. همیشه و همواره در لباس طلبگی هستند و در آن صبح را به شب می‌رسانند، راه می‌روند و زندگی می‌کنند. شاید فراموش نکرده باشند روزی با آرزوهایی به این شهر سفر کردند. شاید مناسباتشان به گونه‌ای شده باشد که قدرت انتخابشان به حداقل رسیده است و چه بسا بارها با پرسشی کلنجار رفته‌اند؛ ماندن یا رفتن؟ حاشیه در این پرونده قصد دارد با بیان نظرگاه‌ها و یادداشت‌هایی، این پرسش را به چالش بکشد. تخصص‌گرایی، مخالفان و موافقان را با خود همراه نموده است که هر یک دلایل خاص خود را دارند. در فرصت پیش رو به بیان این موضوع خواهیم پرداخت.

اندازه شاع فعالیتی که تمام محصلین در آینده پیدا می‌کنند توسعه دارد، جمعی دیگر هم اگر درس نمی‌گویند، ولی اهل فکر و مطالعه و تحقیق هستند و در علوم گوناگون اسلامی مشغول تتبع و تألیف‌اند، و عده‌ای هم به دنبال مأموریت و انجام وظیفه تبلیغی به یکی از شهرستان‌ها می‌روند، و ضمن تبلیغات و خدمات دینی، مقداری هم وقت صرف مطالعه و استنباط احکام می‌کنند. در این بین جمع دیگری هم هستند، که چون از اجتماع رمی‌دهند، - و یا در اثر روحیه خاص خودشان و احیاناً کم‌اطلاعی - اهل فعالیت و خدمات پرزحمت تبلیغی و دینی نیستند، اینان از شرّ اجتماع به گوشه امن حوزه‌ها پناه آورده‌اند، اما در برابر مسئولیت شرعی و اجتماعی خود چه می‌گویند؟! نمی‌دانم.

معروف است درس آخر ندارد. جهتش آن است که اگر کسی بخواهد کلیه ابواب و مباحث فقه را از محضر اساتید فرا گیرد، به‌خوبی باید یک عمر کامل را مصرف کند، چنین است که پایان ندارد؛ ولی اگر بخواهد در طریق استنباط و فهم احکام روشن شود و راه را بیابد، با گذراندن چند سال دوره عالی - به شرط استعداد و پشتکار - می‌تواند به این امر نایل شود؛ اما کسانی هستند با این بهانه که «سال‌ها در حوزه مانده‌ایم تا درس بخوانیم و درس آخر ندارد»، باید در وضعیتشان مطالعه کرد. عده‌ای از طلاب پس از دوران تحصیل، کار خود را تدریس و استادی انتخاب کرده و در هر شبانه‌روز چندین ساعت صرف مطالعه و تدریس شاگردان می‌کنند؛ یعنی یکی از عالی‌ترین خدمات علمی و مذهبی را به عهده گرفته و شاع خدمتشان به

## || گفت‌وگو با آیت‌الله علوی طباطبایی بروجردی ||

# بررسی امتیازات تحصیل

بودیم؛ اما روزهایی که درس تعطیل بود، پیش نمی‌آمد که هفته‌ای بگذرد و آقای بروجردی رحمته‌الله به حرم مشرف نشوند. قبل از اینکه مسجد اعظم ساخته شود درس ایشان در مسجد بالای سر بی‌بی فاطمه معصومه بود. ایشان مقید بودند پیش از شروع درس کناری بیاستند و به بانو فاطمه معصومه رحمته‌الله سلام کنند و سپس مشغول درس شوند. بزرگان به زیارت حضرت معصومه رحمته‌الله مقید بودند و زیارت این بانو برکاتی دارد. در زیارتنامه آن حضرت، عبارت «فَأَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِّنَ الشَّانِ» وجود دارد. این تعبیر بزرگی است که حضرت معصومه رحمته‌الله پیش خدا چنان شأن و مقام والایی دارد که امام معصوم درباره ایشان شهادت می‌دهد: «فَأَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِّنَ الشَّانِ». حضرت امام صادق رحمته‌الله می‌فرمایند: «أَنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَهُوَ لِرَسُولِهِ حَرَمًا وَهُوَ مَدِينَةُ وَهُوَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَهُوَ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ قَمُحٌ، وَهُوَ سِدْفَنٌ فِيهِ امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي تَسْمَى فَاطِمَةَ، مِنْ زَارِعِيهَا وَجِبَتْ لَهَا الْجَنَّةُ» که تعبیری بسیار عظیم و بلند است.

■ آنچه از سلوک مراجع عظام برمی‌آید این است که تحصیل علوم دینی در قم با وجود مقدس حضرت معصومه رحمته‌الله گره خورده است. به عبارتی، عنایتی آسمانی از سوی این بانوی صالحه پشتوانه حوزه

حضرت فاطمه معصومه رحمته‌الله این افتخار را داریم که بساط نقل و حمل معالم اهل بیت رحمته‌الله به گردن ما طلبه‌ها نهاده شده است. ما در جوار و در خدمت این بانو و زیر سایه عنایات ایشان این کار را می‌کنیم. حضرت صادق رحمته‌الله وجود ایشان و دفن ایشان در قم را طبق روایت صحیح فرمودند: «دختری صالحه از فرزندان من در قم مدفون می‌شوند و آنجا برای شیعیان ما پناه است». مراجع بزرگ، چه آنها که ما خودمان به چشم دیدیم و چه آنها که ندیدیم. مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم رحمته‌الله، مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمدتقی خوانساری رحمته‌الله و مرحوم آقای حجت رحمته‌الله، را که ما ندیدیم، مرحوم آقای بروجردی رحمته‌الله به بعد و کسانی که همراه و بعد از ایشان بودند را دیدیم، همگی برای بی‌بی فاطمه معصومه رحمته‌الله احترامی عظیم قائل بودند.

در اینجا به عنوان نمونه، یک مورد از توجه بزرگان به خانم فاطمه معصومه رحمته‌الله را عرض می‌کنم. آنچه که به یاد دارم، آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله با وجود کهولت سن - هرچند گاهی از اوقات به علت کهولت درس تعطیل می‌شد اما مقید بودند - معمولاً هر چهارشنبه به حرم مشرف می‌شدند و آنجا می‌ایستادند و زیارت‌نامه می‌خواندند، بعد برای ایشان کنار ضریح سجاده می‌انداختند و ایشان به نماز ایستادند، ما این را دیده

**آیت‌الله سیدمحمدجواد علوی طباطبایی بروجردی، فرزند آیت‌الله سیدمحمدحسین علوی، از شاگردان فاضل و مشاوران امین و داماد حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی است. ایشان پس از اخذ دیپلم، در سال ۱۳۴۸ به حوزه علمیه قم وارد شدند و در آنجا از محضر اساتید فرزانه و بزرگوار چون: آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله ستوده، آیت‌الله پایانی، آیت‌الله سلطانی، آیت‌الله ابطحی کاشانی بهره بردند. علاوه بر این، آیت‌الله علوی بروجردی مدت ۲۵ سال در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، گلپایگانی، حائری و روحانی شرکت جستند. در علوم معقول نیز از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سیدمحمدرضا صدر، آیت‌الله جوادی آملی و شهید آیت‌الله مطهری بهره برده‌اند. ایشان از سال ۱۳۷۰ به تدریس درس خارج اصول و از سال ۱۳۷۵ به تدریس خارج فقه اشتغال دارند.**

■ در روزگار معاصر حوزه علمیه قم به عنوان شاخصی برای تحصیل طلاب علوم دینی در سراسر جهان به شمار می‌آید، به نظر حضرت‌عالی تحصیل در قم چه امتیازاتی برای طلاب دارد؟  
بسم الله الرحمن الرحيم - همه ما به برکت



# علوم دینی در قم



اهل بیت علیهم‌السلام است، باید متوجه شأن و قدر ایشان باشیم.

فاطمه معصومه علیها‌السلام با مرجعیت و این حوزه به همدیگر بسته‌اند و با هم ربط دارند. ما طلبه‌هایی را می‌شناسیم که در راه بسیار موفق بودند و هرآنچه که می‌خواستند، در این حرم گرفتند. تعلیم و تعلم سرچای خودش است، علم را بدون رنج به کسی نمی‌دهند، برای به دست آوردن علم باید زحمت کشید و تلاش کرد، اما به‌جز زحمت کشیدن، بی‌بی فاطمه معصومه علیها‌السلام نیز باید توفیق بدهد. حضرت معصومه علیها‌السلام می‌تواند فهم را زیاد کند، توان را بالا ببرد و حمایت کند، خیلی‌ها وارد عالم طلبگی شدند، اما به‌واسطه هزار جور مشکل و زحمت، سرانجام مجبور شدند طلبگی را رها کنند.

علما خیلی ارتباطات عجیب با بی‌بی فاطمه معصومه علیها‌السلام داشتند. جناب آقای فاطمی‌نیا نقل می‌فرمودند: در مدرسه حجتیه - این قصه واقعی است، یعنی آن شخص را من می‌شناسم و تازه هم فوت شده - یک طلبه آذری‌زبان که پسر یکی از خوانین بود، درس می‌خواند. پدر او که وضع مالی خوبی هم داشت، با طلبه شدن پسرش مخالف بود. این پسر همه چیزش را رها کرده و به قم آمده بود و در مدرسه

شده و حوزه علمیه به برکت این عنایت، رونق یافته است. به نظر حضرت عالی چگونه این عنایت نصیب قم شده است در حالی که شهرهای دیگری در هم‌جواری امامزادگانی قرار دارند؟

کسانی بودند که وقتی می‌خواستند مشهد مشرف شوند، ابتدا به زیارت بی‌بی فاطمه معصومه علیها‌السلام می‌رفتند، هنگام کسب اجازه چنین می‌گفتند: «بی بی اجازه بفرمایید، که سلام شما را به عرض حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام برسانیم». وقتی هم به مشهد می‌رسیدند، نخست به نیابت از حضرت معصومه علیها‌السلام زیارت می‌کردند. این مقام بلند و بزرگی است، قدر این مقام را بدانید، این گوهری است که خدا در دامن ما گذاشته و این گوهر پشتوانه حوزه علمیه قم است، پشتوانه‌ای که این حوزه مقدسه را علی‌رغم تمام گرفتاری‌ها و مشکلاتی که ما در گذشته و حال این حوزه دیدیم و یا دیگران برای ما نقل کرده‌اند، و آنچه که ما نمی‌دانیم و یا اصلاً بعضی از مشکلات را نمی‌فهمیم، اما این بی‌بی آنها را حل می‌کند. این حوزه علمیه که امروز سر پا مانده و به عنوان بزرگ‌ترین مرکز علمی شیعه مطرح است، همه به برکت ایشان است. روایاتی هم داریم که قم در آخرالزمان پناه شیعیان است، همه اینها به برکت این بانوی پاکدامن است، حرم ایشان حرم



آقا به دنبال من فرستاده است»، حاج احمد گفت: «بله بله! آقا منتظر شمامست و سراغ شما را می‌گرفت، بیا برویم». حاج احمد ما را خدمت آیت‌الله بروجردی رحمته برد. آقای بروجردی رحمته نشستند بود، من که تا آن روز آقای بروجردی رحمته را از نزدیک ندیده بودم، خیلی خوشحال شدم؛ نشستم و دست ایشان را بوسیدم. آقای بروجردی رحمته با من حال و احوالی کردند و از درس‌هایی که می‌خواندم پرسیدند، در بین این حرف‌ها هم پاکت پولی را به من دادند. پاکت را گرفتم و بلند شدم، دوباره دستشان را بوسیدم و خارج شدم، نزدیک در که رسیدم، ایشان فرمودند: «آقای فلانی! از این به بعد، حرم که مشرف می‌شوید، مؤدب‌تر با حضرت فاطمه معصومه رحمته صحبت کنید!»

■ توصیه حضرت عالی به طلبه‌هایی که برای تحصیل به شهر قم می‌آیند چیست؟ من به طلبه‌های عزیز توصیه می‌کنم که دست از دامن این بانوی گران‌قدر رحمته برندارید، کسانی از اوتاد بودند، بزرگانی بودند که روزانه به زیارت بی‌بی فاطمه معصومه رحمته می‌رفتند. کسانی را دیده‌ایم، که به جایی که الآن ضریح است، وارد نمی‌شدند و می‌گفتند ما نامحرم هستیم و همین بیرون پشت در حرم و در رواق می‌ایستادند و زیارت می‌کردند.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته زمانی که در این شهر حوزه علمیه را بنا کردند، مشکلات مالی زیادی داشتند، گاهی شش ماه می‌گذشت و نمی‌توانست به طلبه‌ها شهریه بدهد، (همین شهریه‌ای که اول هر ماه طلبه‌ها می‌گیرند) شش ماهی گذشته و حاج شیخ عبدالکریم رحمته نتوانست شهریه بدهد، ایشان همیشه با توسل به این بی‌بی رحمته و اهل بیت رحمته مشکلات را حل می‌کردند. حاج شیخ کارش و راهش را پیدا کرده بود.

ایشان نقل می‌کند: وقتی وارد مدرسه شدم، خادم مدرسه به من گفت که از خانه آیت‌الله بروجردی رحمته آمده بودند تو را می‌خواستند، با خود گفتم که آیت‌الله بروجردی رحمته با ما چه کار دارد؟ من طلبه‌ای گمنام در مدرسه حجتیه هستم، اشتباه کرده آقای بروجردی رحمته سراغ کس دیگری فرستاده است، اینها گمان کرده‌اند که با من کار دارد. اعتنا نکردم و به حجره رفتم. پس از مدتی صدای در زدن آمد خادم مدرسه بود که گفت: «مگر به تو نگفتم آقای بروجردی رحمته با تو کار دارد! خادم آقای بروجردی رحمته آمده پشت در مدرسه ایستاده، بیا ببین با تو چه کار دارد!» دیدیم خادم آقای بروجردی رحمته ایستاده است. خادم گفت: «آقای فلانی تو هستی؟» گفتم: «بله» گفت: «آیت‌الله بروجردی رحمته با شما کار دارد».

ایشان در ادامه چنین نقل می‌کند که وقتی به منزل آقای بروجردی رحمته رسیدیم، آنجا بسیار شلوغ بود و کسی را راه نمی‌دادند، به حاج احمد - خادم و پیشکار آیت‌الله بروجردی رحمته - گفتم: «من فلانی هستم

هم چیزی نخورده بود. انسان، گرسنه و بیمار باشد، تب داشته باشد، چیزی هم نخورده باشد، تنها و بی‌کس در مدرسه حجتیه افتاده باشد؛ چنین کسی چه حالی دارد؟! خلاصه اینکه لنگ‌لنگان بلند شد و خود را به حرم بی‌بی فاطمه معصومه رحمته رساند. وقتی وارد حرم شد، سلام داد و زیارت کرد، سپس ایستاد و گفت: «خانم، وقتی شما نمی‌توانید افراد را اداره کنید، این قدر آدم دور خودتان جمع نکنید، من بیش از ۲۴ ساعت است که گرسنه هستم، این چه وضعی است؟» آنگاه از حرم بیرون آمد. قصد من از بیان این جریان، آگاه کردن به توجه این بانوی مخدیره رحمته نسبت به این حوزه می‌باشد، به گونه‌ای که، اینها همه به هم گره خورده است. طلبه آذری نقل کرده: «من با یک حال خراب به مدرسه برگشتم، تصمیم داشتم طلبگی را رها کنم و به شهرم برگردم؛ با خود می‌گفتم: این طلبگی برای ما چه شد؟ نان و آبی که نشد، به جایی هم که نمی‌رسیم، آن را رها کنیم و دنبال کار و زندگی و کسب خودمان برویم».

# حرکت از قم؛ موثر و مفید



## ■ هجرت یعنی نجسبیدن به یک مکان

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای هجرت را به عنوان یک ضرورت اساسی حوزه قم طرح کرده و چنین بیان می‌کنند: باید هجرت کرد، هجرت یعنی نجسبیدن به یک مکان. شاید امروز مصداق این هجرت برای طلاب علوم دینی و فضایی محترمی که در حوزه‌ها متمکن و مستقرند، این باشد که برای تبلیغ به اکناف بلاد اسلامی هجرت کنند. عده‌ای هستند که می‌توانند در شهری مستقر شوند و آن را هدایت کنند. اینها در خلال هزارها یا صدها نفر مثل خودشان، در قم مانده‌اند و اثری هم بر ایشان مترتب نیست. حداکثر این است که درسی بگویند، که اگر هم نگفتند، آن چند نفری که به درس اینها می‌آیند، به یک درس دیگر می‌روند. یعنی همان درس را از دیگری خواهند شنید. الان در کشور ما، شهرها و روستاهایی وجود دارد که محتاج عالم دینی است و علمای دینی باید به آنجا بروند. البته، این یک امر فردی هم نیست. ممکن است پنجاه نفر بگویند: «دیگر مسلم شد که باید برخیزیم برویم» و برخیزند و بروند. این، باید در حوزه علمیه قم و به تبع آن در سایر حوزه‌ها، به حرکت و جریان تبدیل شود. راه بیفتند و بروند. مدیریت حوزه علمیه و اکابر و اعیان و متشخصین حوزه، این کار را راه بیندازند. اول هم از خودشان شروع کنند. بعضی از بزرگان هستند که اگر به شهرهای دیگر بروند، وجودشان در آنجاها سودمندتر از قم خواهد بود. حتی درباره بزرگان نیز چنین چیزی وجود دارد. یک نفر مثل آیت‌الله میلانی رحمته‌الله علیه از کر بلا... پا شد آمد مشهد و حوزه علمیه بزرگی را به وجود آورد. این، یک واقعیت است. حقیقتاً از برکات الهی برای حوزه مشهد، وجود مرحوم آیت‌الله میلانی بود. ایشان می‌توانست تا آخر عمر در کر بلا بماند. آن وقت، عالمی در ردیف چندین نفر مثل خودش بود. یعنی بعضی اگر از نظر علم هم جلوتر نبودند، شاید از جهات دیگر، جلوتر از ایشان بودند. لکن ایشان به مشهد آمد و مایه بروت شد. پس، این حرف، حتی درباره شخصیت‌هایی مثل مرحوم آیت‌الله میلانی هم جاری است؛ تا از تراکم جلوگیری شود. هجرت به جاهایی که نیاز هست؛ به شهرها، حوزه‌ها، حوزه‌های بزرگ و حوزه‌های کوچک، و بعد به داخل دستگاه‌های دولتی، داخل ادارات، داخل کارخانه‌ها- آنجا که طلبی و تمایلی هست- و بعد هجرت به خارج از کشور.

بیانات مقام معظم رهبری در شروع درس «خارج فقه» (۱۳۷۳/۰۶/۲۰)

## ■ از روز اول به مقصد رسیده‌اید

این خاطره از آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی نقل است که: مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی یک روز سر درس فرمود: یک عده از

طلاب و مبلغین اسلامی مرتب سؤالاتی از من می‌کنند، امروز می‌خواهم جواب دهم، سؤال می‌کنند ما چه وقت به مقصد می‌رسیم؟ از وقتی که طلبه می‌شویم، تا چه زمانی باید تلاش و کوشش کنیم تا به نتیجه و مقصد برسیم؟ و از کجا بفهمیم که به مقصد رسیده‌ایم یا نه؟ مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در پاسخ فرمودند: همه محصلین علوم دینی و همه مبلغین و مروجین شریعت نبوی باید بدانند که اگر برای دنیا و رسیدن به پیرایه‌های مادی دنیا به حوزه و سلک روحانیت آمده‌اند، هیچگاه به مقصد نمی‌رسند و از اول اشتباه کرده‌اند و باید تغییر مسیر دهند. این راه، راهی نیست که انسان را به مادیات دنیا برساند، مادیات هم انسان را به رشد و پیشرفت واقعی نمی‌رساند. اگر برای خدا و انجام وظیفه و رسیدن به مقام قرب ربوبی، به این مسیر آمده‌اند، بدانند که از روز اول که وارد شده‌اند، به مقصد رسیده‌اند و هر روزی که می‌گذرد در مقصد سپری می‌شود.

## ■ تحصیل مادام‌العمر ممنوع

آیت‌الله العظمی سبحانی، معتقد است باید به طلاب خانه داد، اما نباید به نام آنها تملیک و سند زده شود. زیرا به اعتقاد ایشان، این امر موجب سستی در امر تحصیل می‌شود. ایشان با تأکید بر لزوم ایجاد اتاق فکر در حوزه بیان می‌دارند که حوزه باید اتاق فکر ایجاد کند و آسیب‌های تهدیدکننده حوزه را بشناسد تا بتواند با آنها مقابله کند. انجام رسالت جهانی حوزه بسیار دشوار است، ولی هدف باید بلند باشد. ما معتقدیم که امام زمان عجلت‌الله تعالی فرجه‌ه این رسالت را برعهده دارند و ما هم زمینه‌ساز انجام رسالت جهانی هستیم. تحصیل مادام‌العمر باید در حوزه علاج شود. در هیچ کجای دنیا این امر وجود ندارد که دانشجو مادام‌العمر تحصیل کند و حوزه هم نباید محصل مادام‌العمر داشته باشد.

## ■ پرهیز از سکونت دائمی طلاب در قم

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی مسئله فرهنگی را مهم‌ترین مسئله امروز می‌دانند. به اعتقاد ایشان دشمنانی که از این انقلاب و جامعه اسلامی ترس دارند، حملات خود را متوجه ایمان جوانان کرده‌اند و از طریق ماهواره‌ها و سایت‌ها، ایمان جوانان را نشانه رفته‌اند. از سویی به اعتقاد ایشان راه حل مسائل اقتصادی در گرو حل مسائل اخلاقی جامعه است. بدین ترتیب درباره سکونت طلاب شهرستانی در قم معتقدند که «باید به گونه‌ای باشد که فردی برای طلبگی به قم بیاید و تا آخر نیز در این شهر بماند، بلکه باید تشویق‌هایی باشد تا پس از اتمام تحصیل، به شهر خود بازگردند و در آنجا مؤثر باشند».

## || بررسی سکونت طلاب در حوزه قم، نجف و کربلا ||

# رسالتی بالاتر از هجرت

الف. نصیری پور

است. یک سال پس از ورود امام رضا علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام که در راه مدینه به خراسان، در شهر قم درگذشت و به خاک سپرده شد. از آن پس تشیع و حوزه‌های علمیه در قم به برکت وجود مرقد آن بانوی بزرگوار روزه‌روز گسترش یافت و در قرون پنج و شش مدرسی پررونق و کتابخانه‌هایی بزرگ در این شهر پدید آمد. حوزه علمیه قم در دوره صفویه، مورد توجه دولت‌مداران شیعی قرار گرفت؛ وجود مدارس علمیه پررونق در این شهرهای مقدس، بسیاری از طالبان علوم دینی را به قصد علم‌آموزی و کسب دانش به سوی این شهرها روانه کرد. عده‌ای پس از کسب مدارجی در علوم دینی، به وطن بازگشتند و به تبلیغ دین پرداختند و عده‌ای در همان شهر ساکن شدند، این نوشتار سعی دارد به بررسی وضعیت سکونت عالمان و طلاب دینی در شهرهای مقدس نجف و قم بپردازد.

### ■ وضعیت اسکان طلاب در حوزه قم و نجف

از زمانی که محمدبن حسن طوسی (شیخ الطایفه)، همراه و شاگردانش پس از سقوط سلسله آل بویه و ظهور سلجوقیان سنی‌مذهب، از بغداد به نجف مهاجرت کرد؛ نجف و کربلا به مراکز علمی و آموزشی شیعه تبدیل شدند. از دیگر سو با اعلان تشیع اثنی‌عشری به عنوان مذهب دولتی از سوی شاه اسماعیل، دانشمندان شیعی از سرزمین‌های دیگر به ایران آمدند. در آن روزگار، اصفهان مهم‌ترین مرکز علمی و آموزشی شیعه بود. پس از آشوب‌های سیاسی ایران در ۱۱۳۴ ق، کربلا به عنوان مرکز علمی و آموزشی جهان تشیع اهمیت یافت. طلاب از همه مناطق ایران عازم کربلا می‌شدند. جمعیت علمای کربلا از قومیت‌های گوناگون عرب و غیر عرب تشکیل می‌شد.

آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی، معروف به «وحید بهبهانی»، برای نخستین بار، آشکارا، در کربلا به مبارزه با اخباریگری برخاست. او پس از سی سال شهر بهبهان را ترک گفت و در سال ۱۱۷۳ ق تنها مدرس صاحب‌نام در کربلا بود. در پی روی کار آمدن سلسله قاجار در ایران و رسمی شدن مذهب تشیع، چند تن از فارغ‌التحصیلان ایرانی در کربلا، به عنوان استاد شهرتی به دست آوردند. از مهم‌ترین آنها، می‌توان به این افراد اشاره کرد: میرزا ابوالقاسم گیلانی در قم، مهدی نراقی و فرزندش احمد در کاشان، حجت‌الاسلام محمدباقر شفتی و

شاید پیشینه تشکیل حوزه‌های علمیه اسلامی، به سال‌های آغاز دعوت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله وسلم - در مکه بازگردد، دورانی که پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - حلقه‌های دروس الهی را در خانه خدیجه علیها السلام در شعب ابی طالب، بازار عکاظ و خانه ارقم بن ابی‌الرقم مخزومی تشکیل می‌داد تا آموزه‌های اسلامی را برای تازه‌مسلمانان بیان کند و اسلام را گسترش دهد. این نوشتار سعی دارد تا به بررسی وضعیت سکونت عالمان و طلاب دینی در شهرهای مقدس نجف و قم بپردازد.

حوزه‌های علمیه از گذشته‌های دور نقش به‌سزایی در توسعه معارف دینی و آموزه‌های اسلامی در میان مسلمانان ایفا کرده‌اند. شاید پیشینه تشکیل حوزه‌های علمیه اسلامی به سال‌های آغاز دعوت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله وسلم - در مکه بازگردد، دورانی که پیامبر حلقه‌های دروس الهی را در خانه حضرت خدیجه علیها السلام، در شعب ابی‌طالب، بازار عکاظ و در خانه ارقم بن ابی‌الرقم مخزومی تشکیل می‌داد تا آموزه‌های اسلامی را برای تازه‌مسلمانان بیان کند و اسلام را گسترش دهد. این محافل، به‌نوعی نخستین حوزه‌های علمیه در جهان اسلام به شمار می‌رفتند. با هجرت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله وسلم - به مدینه، این شهر مرکز گسترش اسلام شد. نشر معارف اسلامی در مدینه با محوریت امام علی علیه السلام و سپس سایر امامان معصوم علیهم السلام شکل عملی یافت و دوران زندگی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، پربارترین دوران خود را پشت سر گذاشت. افزون بر مدینه که از دیرباز، با حضور معصوم علیه السلام، پایگاه عالمان و طالبان دین بود و مدارس علمیه پررونقی داشت، حوزه علمیه نجف نیز از پایگاه‌های اصلی گسترش اسلام به شمار می‌رفت. نجف تا پیش از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام سرزمین معروفی نبود و حتی تا پیش از هجرت شیخ طوسی در قرن پنجم هجری، از نظر بسیاری از تاریخ‌نگاران، سرزمینی بود که علویان و شیعیان خاص امیرمؤمنان علیه السلام

در آن ساکن بودند. با هجرت شیخ طوسی به نجف، این شهر به مرکز شیعه و دانشگاه بزرگ شیعه امامیه تبدیل شد و هزاران دانشجو و متفکر شیعه در این حوزه پرورش یافتند.

حوزه‌های علمیه در ایران نیز سابقه‌ای دیرینه دارند. از قدیمی‌ترین حوزه‌های علمیه در ایران، حوزه‌های مشهد و قم

### منتخب

■ یک سال پس از ورود امام رضا علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام که در راه مدینه به خراسان، در شهر قم درگذشت و به خاک سپرده شد. از آن پس تشیع و حوزه‌های علمیه در قم به برکت وجود مرقد آن بانوی بزرگوار روزه‌روز گسترش یافت







شخصی فرد در تعیین موقعیت اجتماعی او عامل تعیین کننده بود، نه شهرت و اعتبار پدر فرد. باین حال تغییر حوزه علمیه اصلی ایرانی‌ها از کربلا به نجف با عواملی همراه بود؛ مانند وفات عالمانی همچون شریف‌العلماء مازندرانی (۱۲۴۶ ق) در اثر شیوع وبا و هم‌زمانی آن با شهرت علمی آیت‌الله محمدحسن نجفی، صاحب جواهر. همچنین شورش شیعیان در کربلا و اشغال آن شهر از سوی عثمانی‌ها عامل مهم دیگری است که در تغییر مراکز آموزشی ایرانی‌ها از کربلا به نجف اهمیت دارد. محاصره کربلا و اقدامات سرکوبگرانه عثمانی‌ها، مجتهدان و طلاب را به ترک کربلا وادار کرد. بیشتر طلبه‌های نجف، حوزه درس صاحب جواهر را برای تحصیل برمی‌گزیدند.

از میان اعضای خانواده خاتون‌آبادی که در اصفهان و تهران به عنوان امام جمعه، انجام وظیفه می‌کردند، فقط آقا میرمحمدحسین سلطان‌العلماء بن میر عبدالباقی (م ۱۲۳۳) و برادران محمد، جواد و ابوالقاسم، فرزندان زین‌العابدین خاتون‌آبادی (م ۱۳۴۷) در کربلا تحصیل کرده‌اند. بعضی از اعضای خانواده علمای شهرهای مشهد، تبریز، قزوین، سبزوار، جاپلق، خوانسار و هویزه به تحصیل در حوزه علمیه کربلا مشغول بودند. از جمله افرادی که در طول قرن سیزدهم در کربلا به تحصیل پرداختند، عبارتند از: سیدمحمدباقر شفتی، حاج ابراهیم کرباسی و محمدتقی ایوانکی در اصفهان، میرزا احمد مجتهد در تبریز، مولی محمدتقی برغانی و برادرانش محمدصالح و علی در قزوین، حاج محمدحسن قزوینی شیرازی، میرزا ابراهیم فسایی و مهدی کجوری در شیراز، سیدمحمدقیصر رضوی در مشهد و مولی محمدسعید مازندرانی در بارفروش. با وجود این‌ها، موارد استثنایی نیز یافت می‌شوند؛ از جمله مولی اسدالله بروجردی (م ۱۲۸۱) که زیر نظر ابوالقاسم قمی، بهتر از کربلا تحصیل کرد و موقعیت خود را به عنوان یک عالم معروف در ایران تثبیت نمود.

یار موافقش ابراهیم کرباسی در اصفهان. علاوه بر آن، مهدی شهرستانی (شهید رابع) در مشهد.

حوزه‌های علمیه کاشان، قم و بروجرد که حول محور آیت‌الله میرزا ابوالقاسم قمی متمرکز بود و توسط ایشان اداره می‌شد، پس از فوت ایشان دچار تنزل و رکود شد و شمار زیادی از طلاب آنها به کربلا مهاجرت کردند. افزون بر آن، بعضی از طلاب قم در تهران به تکمیل تحصیلات دوره سطح خود پرداختند که این حاکی از سطح پایین آموزش در قم بود. حوزه علمیه کاشان نیز پس از مرگ مولی احمد نراقی دچار تنزل و رکود شد و موقعیت ممتاز حوزه علمیه اصفهان از دست رفت و طلاب آن پس از مرگ آیات عظام شفتی، کرباسی و محمدتقی اصفهانی (مؤلف الحاشیه علی‌المعالم) به کربلا رفتند. تنها رویداد جدی حوزه‌های علمیه نجف در طول نیمه دوم قرن سیزدهم، زمانی بود که میرزا حسن شیرازی حوزه علمیه سامرا را تأسیس کرد. پس از فوت ایشان در سال ۱۳۱۲ ق، حوزه علمیه سامرا اهمیت خود را از دست داد.

مهاجرت شمار اندکی از طلاب پس از طی دوره درس خارج در تهران و مشهد، به کربلا، بیانگر آن است که این دو شهر مراکز علمی و آموزشی محلی تلقی می‌شدند.

تأثیر مجتهدان بزرگ بر روند مهاجرت طلاب از مناطق دیگر به کربلا چشمگیر است. شیخ مرتضی انصاری در خوزستان، میرزا حسن شیرازی در شیراز، حبیب‌الله رشتی در رشت و آخوند خراسانی نیز در خراسان چنین تأثیری گذاشتند. افزایش شمار طلاب ترک در نیمه دوم قرن چهاردهم، هم به دلیل وجود تعدادی از مجتهدان ترک بود، و هم ناشی از تأثیر افزایش شهرت آنها. البته مدرسان اصلی و مطرح طلاب را از تمام مناطق جذب می‌کردند. از طرفی در حوزه علمیه کربلا شایستگی



اوایل قرن سیزدهم، بعضی از طلاب تحصیل کرده در کربلا، به مراکز آموزشی ایران سفر می‌کردند. دو مثال بارز از طلاب سابق کربلا که تحصیلاتشان را در ایران ادامه دادند، یکی شریف‌العلماء مازندرانی و دیگری شیخ مرتضی انصاری هستند.

برخی از علما نیز پس از گذراندن دوره تحصیلی و کسب اجازه اجتهاد، به ایران بازمی‌گشتند و در ایران به تدریس و تألیف می‌پرداختند. از جمله این افراد را می‌توان نام برد: محمدباقر اصطهباناتی (م ۱۳۲۶) پس از اینکه سال‌های زیادی را به تدریس فلسفه در نجف گذرانده بود، در شیراز ساکن شد؛ حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی که پس از دریافت اجازه اجتهاد از محضر اساتید بزرگوار خود در سال ۱۳۲۸ هجری به وطن بازگشت و به مدت ۳۵ سال در بروجرد به تبلیغ و تحقیق دین اسلام پرداخت؛ آیت‌الله العظمی میلانی نیز پس از بازگشت به ایران، به مشهد رفته و موجب رونق حوزه علمیه آن شهر شد؛ آیت‌الله العظمی طباطبایی نیز پس از تحصیل در نجف در سال ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و پس از یازده سال اقامت در تبریز، برای تألیف و تدریس علوم دینی به قم هجرت کرد؛ آیت‌الله حائری نیز پس از تحصیل در نجف به ایران بازگشت و در اراک به تدریس علوم دینی پرداخت.

حوزه علمیه قم هر ساله با روند فزاینده‌ای از هجرت طالبان علم و حقیقت به این شهر روبروست. طلبه‌های ایرانی در مدارس فراوان مشغول درس می‌شوند و طلاب خارجی در جامعه‌المصطفی العالمیه و طلاب زن در جامعه‌الزهراء پذیرفته می‌شوند. معمولاً طلاب خارجی پس از کسب مراحل برای تبلیغ دین اسلام به وطن خود باز می‌گردند. هم‌اکنون بالغ بر حدود پنجاه هزار نفر طلبه ایرانی و خارجی در حوزه علمیه قم به درس و بحث مشغول‌اند و تشکیلات حوزه با مجهز بودن به فناوری روز، به روند تکاملی خود ادامه می‌دهد.

امروزه برخی از مدارس حوزه علمیه نجف اشرف، معمولاً خوابگاه طلاب هستند. این امر، به دلیل آن است که در زمان رژیم صدام از تدریس در مدارس جلوگیری می‌شد و مدارس می‌بایست تنها به سکونت طلاب اختصاص یابد. این رژیم از داخل شدن به مدارس و مواجهه با طلاب پرهیز می‌کرد. از این رو دستور داد که تدریس به مساجد منتقل شود تا امکان نفوذ در بین طلاب فراهم شود. این مدارس دارای حجره‌های کوچکی هستند که ظرفیت یک یا دو طلبه را دارند و اکنون طلبه‌های بیشتری به حوزه روی آورده‌اند. بعضی از مدارس موسوم به «مدارس افغانی» اند که وقف طلاب افغانستانی بوده و هنوز هم میزبان این طلبه‌هاست. طلاب کشورهای دیگر مانند بحرینی‌ها، خلیجی‌ها و ایرانی‌ها اکثراً در منازل مسکونی، یا در خانه‌هایی که علمای سابق وقف حوزه علمیه کرده‌اند، سکونت دارند و تنها بخش کوچکی از آنان ساکن مدارس هستند. البته طلبه‌های نجف تنها کسانی نیستند که در مدرسه سکونت دارند، بلکه طلاب سطح و درس خارج و برخی علمای بزرگوار نیز وجود دارند که در منازل خود زندگی می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت که تعداد طلاب مدارس در زمان صدام بیش از هزار نفر نبود، اما این تعداد پس از سقوط رژیم بعثی، به دوهزار طلبه رسیده و همچنان در حال رشد است.

#### ■ بازگشت به وطن

بیشتر علمای شاغل به تحصیل در کربلا، مقیم این شهر نبودند، بلکه پس از اتمام تحصیلات به کشور‌هایشان بازمی‌گشتند. فقط علمایی که خود را وقف آموزش و تدریس می‌کردند در کربلا می‌ماندند. روحانیونی که به اموری مانند تقلید، قضاوت و ارائه خدمات مذهبی علاقه‌مند بودند و کسانی که در تحصیل موفق نبودند، به ایران بازمی‌گشتند.



# روحانیت و حوزه

با سید احمد خاتمی است که در این بخش به مباحثی از قبیل هدف از تحصیلات حوزوی، نظام آموزش حوزه، نقاط قوت و ضعف در این عرصه، کتاب‌های درسی، اصلاح کتاب‌های درسی، تخصصی شدن علوم حوزوی و... پرداخته شده است. بخش سوم حاوی مجموعه مقالاتی است که نگاهی اجمالی به تحصیل در حوزه‌های علوم دینی دارند. در بخش چهارم مصاحبه مؤلف با هفته‌نامه پگاه حوزه درج شده که موضوع آن «تجدید نظر در کتاب‌های درسی حوزوی، ضرورتها و لغزش‌ها» است؛ و بالاخره بخش پنجم، شامل مصاحبه‌های آیت‌الله خاتمی با روزنامه کیهان درباره بایسته‌ها و افت‌های حوزه‌های علوم دینی و پیشنهادی درباره سامان یافتن امور حوزه‌های سراسر کشور است. کتاب مذکور در ۱۳۲ صفحه، توسط انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسید.

**۴ حوزه و روحانیت: مسائل، آسیب‌ها، کارکردها (۱) و (۲)**  
مجموعه دو جلدی حوزه و روحانیت؛ مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، تألیف جمعی از اندیشوران حوزه و دانشگاه است که به کوشش علی باقری‌فر تدوین و تنظیم شده است. در جلد نخست از این مجموعه دو جلدی، هشت مقاله علمی و ۳۵ گفت‌وگو از اندیشوران و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه، درباره سه مبحث «آسیب‌شناسی روحانیت»، «کارکردهای ذاتی و اقتضایی روحانیت» و «آینده‌شناسی روحانیت»، ارائه شده است. برخی از عنوان‌های این مجلد عبارت‌اند از: آسیب‌شناسی تبلیغ؛ روحانیت و موقعیت جدید؛ روحانیت و حقوق بشر؛ دین‌ورزی و عقلانیت و... لازم به ذکر است، بیش‌تر مباحث این مجلد در حوزه آسیب‌شناسی روحانیت، تنظیم شده است. جلد دوم نیز مشتمل بر مقالات علمی و گفت‌وگوهای اندیشوران و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه درباره همان سه مبحث مجلد اول است که برخی از عنوان‌های این مجلد عبارتند از: روحانیت و محیط زیست؛ روحانیت و مناصب اجرایی؛ روحانیت و مواجهه با چالش‌های فکری و... در این مجلد بر خلاف مجلد اول که بیشتر مباحث آسیب‌شناسی حوزه روحانیت را دربر می‌گرفت، می‌توان گفت به صورت التقاطی هر سه رویکرد، مورد بحث و مناقشه قرار گرفته‌اند. مجموعه مذکور توسط مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشری در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

**۵ رسالت روحانیت از نگاه امام خمینی**  
بهروز رشیدی در کتاب رسالت روحانیت از نگاه امام خمینی به بیان و شرح وظایف و مسئولیت‌های روحانیت از دیدگاه امام خمینی

## ۱ پژوهشی در نظام روحانیت شیعه

موضوع کتاب پژوهشی در نظام روحانیت شیعه، منزلت فرهنگی و اجتماعی روحانیت در دستگاه تفکر اسلام و به‌ویژه در شکل راستین آن، یعنی تشیع است. علی اسماعیل پور برای تبیین این موضوع، ویژگی‌های علما در قلمروی فرهنگ که سه بخش: «ریشه قرآنی اصل وجود سازمان روحانیت»، «حافظ فرهنگ اسلام» و «مستقل بودن روحانیت شیعه» را دربرمی‌گیرد، مورد بررسی قرار داده است. همچنین در راستای تبیین بهتر موضوع، به شرح گزیده‌ای از تاریخ مبارزات علمای شیعه پرداخته است. این نوشتار که توسط حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد یزدی نیز مورد مطالعه قرار گرفته، در ۱۴۴ صفحه و توسط انتشارات مفید، در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

## ۲ تبارنامه حوزه و روحانیت (از صدر اسلام تا پهلوی اول)

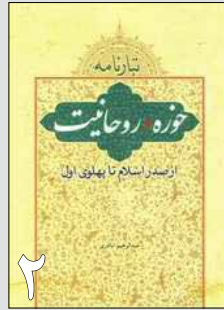
کتاب تبارنامه حوزه و روحانیت (از صدر اسلام تا پهلوی اول) مروری بر تاریخ هزارساله «حوزه‌های علمیه شیعه» و فراز و نشیب‌های آن از ابتدای پیدایش تا زمان پهلوی اول است. در این پژوهش، نخست دورنمایی از ساختار و تشکیلات روحانیت ارائه شده، سپس سیر تاریخی حوزه و روحانیت از دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و فراز و نشیب‌های آن بررسی شده است. عبدالرحیم ابازری در همین راستا به چگونگی تدوین قرآن و حدیث توسط علمای شیعه اشاره و نقش آنان در تألیف و تدوین کتب حدیثی و رجالی را بیان کرده است؛ آنگاه به تأسیس حوزه‌های مهم شیعی در نجف، سامرا، کربلا، قم، اصفهان، مشهد، همدان، تهران و تبریز پرداخته و تاریخچه‌ای در این زمینه بیان کرده است. مؤلف در بخش دوم کتاب، تاریخچه‌ای از حضور علمای مسلمان، از زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تا عصر غیبت، ارائه نموده و حضور سیاسی و اجتماعی روحانیت در عصر غیبت کبری به‌ویژه در دوران حکومت آل بویه، صفویه، قاجاریه و در عصر حکومت رضاخان اشاره کرده و حضور آنان در عرصه‌های علمی و سیاسی را پررنگ توصیف کرده است. در واقع، مؤلف هدف و انگیزه خود را از تألیف کتاب حاضر، شناسایی و شناساندن شجره‌نامه و تبارنامه صنفی علما، فقها و روحانیون در طول دوران تاریخ برای طلاب جوان بیان می‌کند. کتاب مذکور در ۴۴۸ صفحه، توسط انتشارات سلمان فارسی در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

## ۳ حوزه علمیه؛ هست‌ها و باید‌ها

کتاب حوزه علمیه؛ هست‌ها و باید‌ها، مشتمل بر مباحث معرفتی و تربیتی آیت‌الله سیداحمد خاتمی درباره مسائل حوزوی است که در قالب پنج بخش تنظیم شده است. بخش اول با عنوان «طلبگی، توفیق الهی» تدوین و تحریر مؤلف در جمع طلاب مدرسه علمیه عالی نواب در مشهد ایراد شده است که در این بخش سخن از این است که توفیق تحصیل در حوزه، نعمت الهی است و باید شکر آن را به‌جا آورد. بخش دوم با عنوان «هدف از تحصیلات حوزوی» مصاحبه مجله پیام حوزه

مقصد  
پرونده ماه

تعمیرات در قم



# قم در چند کتاب

همیتان، ابلاغ پیام وحی، انذار و تبشیر، احیای سنت پیامبر و تحقق کامل ارزشهای دینی را از وظایف مهم سازمان روحانیت دانسته و از نظر اجتماعی نیز تزکیه و تربیت دینی جامعه، تعلیم و تبیین کتاب و حکمت، صیانت از حدود و ثغور شریعت، و تلاش برای برپایی و گسترش عدالت اجتماعی را از مهم‌ترین این وظایف برشمرده‌اند. ایشان همچنین به رسالت‌ها و وظایف درونی سازمان روحانیت اشاره نموده و تهذیب و اصلاح نفس، آگاهی یافتن در دین، بصیرت و آمادگی اجتماعی و ایهام‌زدایی از موقعیت روحانیت در جامعه را از دیگر رسالت‌های سازمان روحانیت اعلام نموده‌اند. کتاب مزبور با مقدمه استاد محمدجعفر امامی، در سال ۱۳۸۷، در ۱۲۰ صفحه، توسط انتشارات فقاقت به چاپ رسیده است.

## روحانیت و حوزه‌ها

انبیا مشعل فروزان هدایت الهی در جامعه بشری‌اند. این هادیان سخت‌کوش از طرف خداوند رحمان مأمورند تا پاسخ دو پرسش بسیار مهم و اساسی را در اختیار ما قرار دهند: «سعادت چیست؟» و «چگونه می‌توان به سعادت دست یافت؟» روحانیت تداوم‌بخش راه انبیاست، و برای تحقق رسالت خود بایستی پنج گام اساسی بردارد. ابتدا باید تلاش کند تا پیام خدا را خوب، دقیق، عمیق و جامع بفهمد (تفقه در دین). پس از فهم پیام باید تلاش کند تا آنچه را که خود به عنوان یک انسان مؤمن از دستورات الهی فهمیده، عمل کند (عمل به دین). آنگاه باید تلاش کند تا پیام خداوند را به بندگان دیگر برساند و آنها را در مسیر خودسازی قرار دهد (ابلاغ دین به منظور انسان‌سازی). در ادامه تلاش کند تا یک نظام صالح سیاسی بر اساس آموزه‌های دین تأسیس کند و در نهایت، سعی کند تا یافته‌های خود را به صورت کاملاً علمی و تخصصی به کسانی که قرار است تداوم‌بخش راه انبیا باشند، آموزش دهد (تعلیم و تربیت عالمان دین‌شناس). در کنار این گام‌ها روحانیت باید تلاش کند تا فهم خود را از دین پیوسته ارتقا بخشد، روحانیت باید تلاش کند تا روزبه‌روز هم بر گستره، و هم بر دقت خود در عمل به دین بیفزاید تا از نظر اسوه بودن به پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت(ع) نزدیک‌تر شود. لذا روحانیت علاوه بر رسالت انبیا که ناظر به هدایت مردم است، باید مراقب خود نیز باشد تا از صراط مستقیم الهی منحرف نشود؛ و اگر منحرف شد، خود را بازسازی و اصلاح کند. شهید مطهری از جمله معدود روحانیانی است که علاوه بر تلاش در راستای هدایت مردم، به آسیب‌شناسی صنف خود و اصلاح آن پرداخت. کتاب حاضر به «ماهیت، ضرورت و هدف‌های روحانیت» و «آسیب‌شناسی روحانیت و راه‌کارهای اصلاحی آن» از دیدگاه شهید مطهری اختصاص دارد. این اثر، دفتر روحانیت و حوزه‌ها از مجموعه چلچراغ حکمت است که به همت سلیمان خاکبان نگاشته شده است. کتاب حاضر توسط کانون اندیشه جوان در سال ۱۳۸۹ در ۸۰ صفحه، به چاپ رسیده است.

پرداخته است. از نظر امام خمینی<sup>ره</sup>، روحانی در اسلام به معنای کسی است که مبلغ دین و رسالت پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین<sup>علیهم السلام</sup> است و به فردی اطلاق می‌شود که علاوه بر کسب سجایای اخلاقی، تزکیه نفس و انجام اعمال عبادی و فقهی، به فراگیری و تحصیل علوم و دانش دینی و مذهبی نیز بپردازد. این مقدمه‌ای برای آمادگی در جهت اجرای مسئولیتی بزرگ‌تر، یعنی مسئولیت اجتماعی و سیاسی است. در این تعبیر امام خمینی(ره)، روحانی کسی است که هم عالم باشد و هم عامل. عالم بودن و عامل بودن، برای روحانی لازم و ملزوم یکدیگرند. چرا که علم بدون عمل بهره‌ای در پی نخواهد داشت و عمل بدون علم و تقوا نیز به بیراهه و گمراهی می‌انجامد. بنابراین رسالت روحانی از جنس و سنخ رسالت اولیای خدا، لیکن با مراتبی خفیف‌تر است. کتاب حاضر در ۱۳۶ صفحه، توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>ره</sup> در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

## رساله روحانیت در حاکمیت و تبلیغ، از دیدگاه مقام معظم رهبری(مدظله العالی)

کتاب رسالت روحانیت در حاکمیت و تبلیغ، از دیدگاه مقام معظم رهبری(مدظله العالی) شامل رهنمودهای موضوعی از منظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در باب رسالت روحانیت در حاکمیت و تبلیغ است که بخش نخست به خصوصیات روحانیت شیعه و ویژگی‌های امام خمینی<sup>ره</sup> اختصاص یافته است. مباحث دیگر کتاب عبارت‌اند از: «وظایف و مسئولیت‌های شخصی روحانیت»، «وظایف و مسئولیت‌های صنفی روحانیت»، «تکالیف و مسئولیت‌های فرهنگی و اجتماعی روحانیت» و «آسیب‌ها و آفات در انجام وظایف روحانیت». در پایان اهداف دشمنی دشمنان با روحانیت و مقابله روحانیون با آنها مطرح شده و همچنین در باب حمایت از اسلام و استکبارستیزی مطالبی عنوان شده است. کتاب مذکور به کوشش معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع تدوین و در ۲۲۸ صفحه، توسط انتشارات دفاع در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است.

## رسالت‌های سازمان روحانیت

موضوع کتاب رسالت‌های سازمان روحانیت بررسی وظایف مهم فردی، اجتماعی و دینی روحانیون در عصر حاضر است. در این نوشتار، ابتدا به شکل‌گیری و تشکیل «سازمان روحانیت» پیش و پس از اسلام و تاریخچه آن اشاره و سپس اصلی‌ترین رسالت این سازمان تبیین شده است. مؤلفان کتاب، احمد فریبهی و علی اصغر

■ یک روز برفی در شهرک پردیسان قم،  
عکس از: مصطفی معراجی



|| گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین  
محسن غرویانی ||

## هجرت؛ تحرك اندیشه

مقصد ۴

پرونده ماه

تجدید  
فکر  
در  
فقه

وقتی آسانسور کار نمی کند پله ها نفس گیرتر می شوند. پله ها را یکی یکی می شماری ۴۷، ۴۸، ۴۹... رسیدن به در خانه دشوار به نظر می رسد. تا رسیدن به مقصد، تنها یک طبقه مانده، حس می کنی قلبت دیگر یاری نمی کند. مجتمع های آپارتمانی پردیسان راه حل دپروزی است که معضل زندگی امروز شهر قم را سامان داده است. وقتی مرکز خدمات حوزه های علمیه قم متولی ساخت آپارتمان های مسکونی برای طلاب شد، کمتر طلبه های زندگی آپارتمانی را تجربه کرده بود. در گزارش ذیل، مطلع همه سخنان، گلایه از دوری مسیر این شهرک از شهر قم بود.

عباس مدت هاست که در یک آپارتمان ۸۳ متری اجاره ای زندگی می کند، وی در این باره می گوید: آپارتمان در واقع یک خانه است که مالکیت آن در انحصار چندین نفر است. در این خانه بزرگ که اعضایش همدیگر را نمی شناسند، مسائلی پیش می آید که بر زندگی ساکنان تأثیرگذار خواهد بود. همه افراد یک آپارتمان با یک کلید در را باز می کنند و وارد می شوند اما آیا به راستی فرهنگ آپارتمان نشینی در این مجتمع ها حاکم است؟ و آیا قوانین آپارتمان نشینی رعایت می شود؟ او در پاسخ سؤال خود می گوید: متأسفانه علی رغم گسترش آپارتمان نشینی در شهر قم، فرهنگ آپارتمان نشینی آن چنان که باید و شاید جا نیافتاده و هنوز مردم حق همسایه ها را به درستی ادا نمی کنند.

امین هم طلبه دیگری است که درباره مشکلات زندگی آپارتمانی چنین می گوید: متأسفانه با گذشت این همه سال از آپارتمان نشینی پردیسانی ها، قوانین ساده آپارتمان نشینی رعایت نمی شود. به عنوان مثال اگر وارد بسیاری از آپارتمان ها شویم با کمال تأسف می بینیم که بسیاری از ساکنان آن کفش های خود را کنار در خانه درآورده و وارد خانه شده اند. او معتقد است اگر مردم کمی به خود زحمت دهند و مسائل جزئی را رعایت کنند همین مسائل جزئی روی هم انباشته نمی شود و مشکلات بزرگ تر را نمی آفریند.

اساساً تحرك فیزیکی و کوچ کردن از جایی به جای دیگر، موجب تحرك در اندیشه ها، احساس ها و نیازها می شود. بر این اساس افق دیدها و اندیشه ها، نیز تغییر کرده و نگرش ها دگرگون می شود. در اسلام به مهاجرت به مناسبت های مختلف توصیه شده است. در این زمینه، قرآن کریم در سوره شریفه توبه، آیه ۱۲۲ چنین فرموده است: «و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه ای از آنان دستهای کوچ نمی کنند تا [دستهای بمانند] و در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند. باشد که آنان از کیفر الهی ابرترسند.» در این آیه، هدف قرآن کریم از دستور دادن به هجرت، آموختن فقه و آگاه شدن عده ای از مؤمنین برای تبلیغ و بیم دادن مؤمنان دیگر در بازگشت به موطن اصلی شان می باشد. از طرفی در متون دینی با تعبیر «عالم» و «علما» مواجه می شویم که این اشخاص، در فرهنگ اسلامی از منزلت والای دینی برخوردارند. زیرا از آنان انتظار می رود که رسالت ابلاغ دین را عهده دار شوند. به عبارتی، دستور قرآنی آگاهی یافتن در دین، سبب پیدایش عالمان دینی در بستر تاریخ شده است. از این رو حوزه های علمیه شیعه، با سابقه ای درخشان شکل گرفته است. اما به نظر می رسد هجرت به قصد آگاهی یافتن در دین و بازگشت به موطن اصلی در شرایط کنونی، سکونتی دائمی به همراه آورده باشد. وابستگی اقتصادی روحانی به مردمی که در میان آنها به ابلاغ رسالت الهی می پردازد، سبب شده است که از ناحیه آنان تأمین نشده و در آنجا نماند. وابستگی فکری آن روحانی آسیب دیگر است که در بین مردم زندگی می کند. این آسیب از دو جهت قابل پردازش است؛ اولاً فردی که به جهت تحصیل علوم دینی هجرت می کند، اگر چه به لحاظ فیزیکی از موطن خود کنده شده، اما در سنت حوزه علمیه ذوب نشده است؛ بلکه حالت برزخی به خود گرفته که در سنت گذشته مرده و در زمان حال، هنوز متولد نشده است، یعنی فارغ از بسترسازی لازم، برای امری مقدس آماده شده است. از جهت دیگر روحانی وابسته به عوام، هر اندازه روشن ضمیر و مخلص باشد، بیشتر در متن مردم فرو می رود و به لحاظ فکری وابسته تر می شود. گویا از دریچه نگاه آنان به رسالت خویش می نگرد. او زمینه پرورش کمالات انسانی را که ضامن بقا و دوام این نهاد دینی است، به فراموشی سپرده است.

|| گزارشی از وضعیت آپارتمان‌نشینی طلاب  
در شهرک پردیسان قم ||

# همسایگی به فاصله یک دیوار



مقصد ۴

پرونده ماه

سکونت در قم

می‌تواند صدایی مضاعف تولید کند و همسایه‌ها را بیازارد. تمام سروصداها و حرف‌ها از دیوارهای نازک و سقف‌هایی که چندان رازدار نیستند به خانه همسایه‌ها درز می‌کنند. همه می‌دانند که همسایه چه می‌کند، چه می‌خورد و در مورد چه حرف می‌زند! تقابل نسل‌ها نیز در بعضی از آپارتمان‌ها مسئله‌ساز است؛ نسل جدید اگر تعطیل باشد دیر می‌خوابد و دیر هم بیدار می‌شود و نسل قدیم زود می‌خوابد و زود هم بیدار می‌شود.

کاظم از پله‌ها و دروسرهای آپارتمان‌نشینی به هنگام اسباب‌کشی دل‌تنگی دارد اما حرفش را با خداحافظی‌های طولانی همسایه‌ها شروع می‌کند: وقتی پاسی از نیمه‌شب گذشته، همسایه میهمانانش را بدرقه می‌کند؛ بچه کوچک آنها در راهرو جیغ می‌کشد، فریاد پدر به‌جهت ساکت کردن بچه، افراد باقیمانده را هم بیدار می‌کند. حتی صدای ماچ‌های اقوام هم به گوش می‌رسد و بعد بحث‌های جامانده از میهمانی، یادآوری‌ها و ... در ساعت یک بعد از نیمه‌شب، واقعاً آزاردهنده است.

درددل‌های طلاب جوان پردیسان‌نشین، شنیدنی است اما سؤالی که در میان این گفته‌ها به ذهن می‌رسد این است که چه کسانی و بر چه اساسی این تغییر شکل را در محیط زندگی طلبه‌ها به‌وجود آورده‌اند؟ آیا در ساخت‌وسازها پرهیز از سکونت دائمی طلاب هم مدنظر بوده است؟ آیا پسندیده نبود این شتاب‌فزاینده واگذاری‌ها از قم به حوزه شهرستان‌ها محول می‌شد تا انگیزه دائمی طلبه‌ها را برای ماندن در قم بکاهد؟ آیا این فرایند جدایی‌گزینی طلاب از محل درس و بحث‌شان، طبیعی است یا تحمیلی؟ آیا جدا کردن مسکن طلاب از محل مسکونی قاطبه مردم زمینه دور کردن عامه مردم از طلبه‌ها را فراهم نمی‌کند! تنها کافیست باور کنیم و سری به کوچه پس‌کوچه‌های قدیم قم بزنیم. هنوز خاطره خوش سکونت طلبه‌ها را در خود دارد. خاطره سلام‌های صبحگاهی، مشورت‌های گاه و بیگاه که با رفتن طلاب نیز کماکان پابرجاست.

مرضی طلبه مستأجری است که طلبه‌های کمتری در مجتمعشان اسکان دارند. او بیان می‌کند که: در طبقه بالای ما زن و شوهر جوانی زندگی می‌کنند که چند ماه بیشتر از ازدواجشان نگذشته است، اما متأسفانه در این مدت کوتاه به این نتیجه رسیده‌اند که با هم تفاهم ندارند؛ لذا ما هر شب شاهد دعوی شدید آنها هستیم و سرو صدای این دعوا به قدری آزاردهنده است که گویا در خانه ما دعوا می‌کنند. اما کاری از دستمان بر نمی‌آید و نمی‌توانیم به آنها تذکر دهیم چون مسئله‌ای نیست که بتوان به‌راحتی مطرح کرد. او ادامه می‌دهد که: نظافت آپارتمان از دیگر مسائلی است که باید رعایت شود اما متأسفانه در هر آپارتمان افرادی هستند که به این مسئله اهمیت نمی‌دهند و با بی‌توجهی خود موجب ناراحتی سایر همسایه‌ها می‌شوند. زباله‌های تر و خشک را از هم جدا نمی‌کنند و در بسیاری موارد می‌بینم که حین خروج زباله‌ها از منزل، در اثر پارگی کیسه زباله، آب آن از پارگی نایلون روی زمین می‌ریزد و پله‌های آپارتمان با حالت زشتی آلوده می‌شود و بوی نامطبوعی فضا را متعفن می‌کند.

مهدی طلبه دیگری است که از وقت‌ناشناسی همسایه‌ها گلایه می‌کند. به عنوان مثال نیمه‌شب شروع به جابه‌جا کردن دکوراسیون منزل می‌کنند و توجه هم نمی‌کنند که سر و صدای این جابه‌جایی مزاحم همسایه‌ها می‌شود. به نظر او رعایت نکردن استانداردهای بومی و محلی در ساخت آپارتمان‌هایی که با فرهنگ اسلامی مطابقت دارند و نیز نداشتن عایق‌های مناسب صوتی و فضاهای مشترک مناسب برای یک آپارتمان، سبب می‌شود که همسایه‌ها به طور ناخواسته به حریم هم وارد شوند. در شهرک پردیسان ساخت آپارتمان‌های چندواحدی و بلندمرتبه با فرهنگ افرادی که عادت به خانه‌های ویلایی دارند ناسازگاری دارد. تصور کنید هر واحد از ساختمان در طول هفته یک‌بار یا در طول ماه یک هفته از شهرستان میهمان داشته باشد. پشت در آپارتمان پر از کشش می‌شود و حتی روی پله‌ها هم کشش می‌چینند. حرکت آهسته ده نفر در خانه هم

اگفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن حاج حسینی نبوی درباره وضعیت سکونت مبلغ

# سکونت در خانه‌های مردم

یا موقعیت محل از جهت سکونت، اغلب در یکی از این سه حالت قرار می‌گیرد: سکونت در خانه مردم؛ سکونت در خانه استیجاری؛ سکونت در خانه عالم. سکونت در خانه مردم، به این منظور است که در مناسبت‌های تبلیغی، روحانیون پس از ورود به روستا، در خانه یکی از اهالی دین‌دار به مدت ده روز تا دو ماه، ساکن می‌شوند. این افراد انسان‌های باگذشت، دین‌دار و علاقه‌مند به روحانی هستند که او را به خانه خود دعوت کرده و در مدت اقامتش، از وی پذیرایی می‌کنند. بنابراین روحانی باید از سویی از صاحب‌خانه و اهالی تشکر کرده و از سوی دیگر طوری رفتار کند که این علاقه‌مندی به دین و روحانیت کاهش نیابد.

■ به نظر حضرت‌عالی یک روحانی چگونه رفتار کند که این علاقه‌مندی به دین و روحانیت افزایش پیدا کند؟

مبلغ بایستی مواظب باشد که در خانه افراد غیرموجه سکونت نکند؛ اعم از آنکه قبل از انقلاب مخالف انقلاب بوده یا پس از انقلاب اهل سوء استفاده و رانت‌خواری بوده، یا آنکه در بین مردم به عنوان فردی غیرموجه شناخته شده باشند و اعمالی از قبیل رباخواری، پارتی‌بازی، ظلم و ستم به دیگران و ... انجام می‌دهند. هم‌نشینی اهل علم با این افراد، خطای فاحش است و مردم را از نزدیک شدن به روحانی دور می‌کند. از آنجایی که به طور معمول

صاحب‌خانه برای فعالیت‌های روزانه از خانه خارج می‌شود، بهتر است روحانی در صورت امکان هم‌زمان با میزبان از خانه خارج شود و به مسجد، کتابخانه، مدرسه و یا محل تجمع مردم برود، تا اهل منزل به دلیل حضور روحانی دچار مشکل نشوند. بهتر است روحانی برای اقامت، مکانی را انتخاب کند که صاحب‌خانه مشخص می‌کند و شایسته‌تر آن است که محل اقامت روحانی روبه‌روی مقابل

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن حاج حسینی نبوی متولد ۱۳۳۵ هـ ش رهنان اصفهان، در سن سیزده‌سالگی (۱۳۴۸ هـ ش) دروس حوزه را در شهر اصفهان آغاز و پس از مدتی به قم هجرت نمود. ایشان از محضر فرزنانگانی هم‌چون آقای فاضل هرنندی، آیت‌الله مظاهری، آقای ستوده (ره)، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله شیخ جواد تبریزی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله وحید و آیت‌الله جوادی آملی بهره برده‌اند. در حال حاضر، ایشان معاون تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمیه قم هستند.

■ تبلیغ از مهم‌ترین شئون حوزه علمیه است و از گذشته‌های دور نیز برجسته‌ترین نقش را در زنده نگاه داشتن آموزه‌های دینی و نشر اسلام ناب محمدی داشته و دارد. نظر شما در این باره چیست؟ بنده هم موافقم و معتقدم که حوزه حرکت اولش را باید تبلیغ قرار دهد؛ چرا که تبلیغ از اساسی‌ترین اهداف حوزه می‌باشد. در اصل، تفقه در دین برای تبلیغ است. به واسطه تبلیغ است که دین خود فرد تقویت می‌شود و معارفی را که آموخته است به مخاطبین و مردم منتقل می‌کند. اگر طلبه قاضی باشد، نویسنده باشد، متکلم باشد، در مواجهه با مردم، انتظار عموم افراد در وهله اول، تبلیغ است؛ درست مثل پزشک عمومی که

اگرچه متخصص قلب یا ارتوپد نیست، اما نیازهای عمومی را پاسخ می‌دهد. مرحله عمومی حوزه باید تبلیغ باشد و بعد از این مرحله، طلبه‌ها به دنبال یادگیری آموزش‌های تخصصی باشند.

■ باتوجه به دیدگاه شما درباره وظیفه تاریخی طلبه، وضعیت سکونت مبلغ باید چگونه باشد؟

مبلغ با توجه به وضعیت و زمان تبلیغ

## منتخب

■ سکونت در خانه مردم، به این منظور است که در مناسبت‌های تبلیغی، روحانیون پس از ورود به روستا، در خانه یکی از اهالی دین‌دار به مدت ده روز تا دو ماه، ساکن می‌شوند. این افراد انسان‌های باگذشت، دین‌دار و علاقه‌مند به روحانی هستند که او را به خانه خود دعوت کرده و در مدت اقامتش، از وی پذیرایی می‌کنند.



دهند خانه‌ای را اجاره کرده و مدتی در آن منزل زندگی می‌کنند. به طور معمول، صاحب‌خانه از روحانی مستأجر توقع خاصی دارد به طور مثال، اگر خانه نوساز و تمیز است از سوراخ کردن و کوبیدن میخ به در و دیوار پرهیز شود؛ از خط کشیدن کودکان به در و دیوار جلوگیری کند؛ در مصرف آب دقت شود و از ریختن آب در مکان‌هایی که موجب ضرر رساندن به صاحب‌خانه می‌شود، پرهیز کند اگر قفل، لامپ، شیشه‌ها و با وسایل منزل آسیب دید خودش آنها را درست کند. در زمان تخلیه خانه، محل اقامت مبلغ تمیز و پاک‌سازی شود و زباله‌ها به بیرون از منزل منتقل شود. یکی از سنت‌های بسیار خوبی که در برخی از روستاها و یا کنار مساجد شهرک‌ها و شهرها وجود دارد، ساخت خانه عالم است. مهمترین مسئله‌ای که باید در ساخت، تعمیر و یا توسعه این خانه‌ها توسط مبلغ رعایت شود آن است که طوری رفتار کند که مردم احساس نکنند روحانی به خاطر مسئله شخصی خود در پی ساخت خانه عالم است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در صورت امکان، اصل بحث خانه عالم توسط شورای محل یا هیئت امنای مسجد و یا خیرین مطرح و دنبال شود. اگر به هر دلیلی این امر امکان‌پذیر نبود، مبلغ باید بگوید: اگر این خانه ساخته شود، عالمی که به محل شما می‌آید دچار مشکل نیست، من برای همیشه اینجا نیستم؛ می‌خواهم بنای خیری را بنیان‌گذاری کنم. اگر مردم احساس کردند که مبلغ در پی منافع شخصی است، رهاکردن ساخت خانه عالم از جانب روحانی مطلوب‌تر از دنبال کردن آن است.

درهای محل اقامت زنان نباشد. بهتر است روحانی از خوابیدن با زیرپوش و همچنین خوابیدن بدون روانداز خودداری کند. پرهیز از خوابیدن در زمان‌های نامناسب و پرهیز از پرخواستی هم اهمیت دارد. مبلغ باید همیشه پاکیزه باشد و محل زندگی خود را تمیز نگه دارد و از آشفته و پراکنده کردن لوازم شخصی پرهیز کند. شایسته است که مبلغ دینی به هنگام نیاز به استحمام برود و البته آن هم در شرایطی که محذوریتی برای اهل خانه نباشد. لباس‌های کثیف را جمع کرده و خودش آنها را بشوید و از تحویل آن به اهل منزل برای شستن جدا پرهیز کند.

نکته پایانی اینکه مبلغ میهمانی است که اغلب میزبان برای جلب رضای الهی از وی پذیرایی می‌کند. بسیاری از میزبانان از اقشار متوسط هستند و در مواقعی به لحاظ اقتصادی از افراد آسیب‌پذیر شمرده می‌شوند. بنابراین بهتر است مبلغ دینی در مورد غذا خوردن چند مسئله را در نظر بگیرد: هیچگاه به صورت آشکار یا به کنایه تهیه غذا را به میزبان واگذار نکند. اهل خانه را به تهیه غذایی کاملاً ساده و در حد غذای عادی خودشان تشویق نکند. هنگامی که سفره پهن می‌شود، حقوق دیگران را رعایت کند. برخی از میزبانان ابتدا کل غذا را برای مهمان آورده و پس از پذیرایی، همسر و فرزندانشان غذا می‌خورند، بهتر است مبلغ به این امر توجه داشته باشد.

#### منتخب

■ بهتر است روحانی برای اقامت، مکانی را انتخاب کند که صاحب‌خانه مشخص می‌کند و شایسته‌تر آن است که محل اقامت روحانی روبه‌روی مقابل درهای محل اقامت زنان نباشد. بهتر است روحانی از خوابیدن با زیرپوش و همچنین خوابیدن بدون روانداز خودداری کند. پرهیز از خوابیدن در زمان‌های نامناسب و پرهیز از پرخواستی هم اهمیت دارد

■ حضرت عالی در صحبت‌های قبلی خود، سکونت مبلغ در خانه‌های استیجاری و یا خانه عالم را بیان کردید؟ لطفاً کمی در این باره توضیح دهید.

مبلغانی که تصمیم دارند فعالیت طولانی انجام